

روش شناسی کلامی قاضی نورالله شوشتری

محمد رضانی^۱

علی ربانی گلپایگانی^۲

چکیده

قاضی نور الله شوشتری از متکلمان برجسته قرن دهم است که متناسب با نیازهای عصر خویش به مباحث کلامی ورود پیدا کرده است. وی در علم کلام آثار مختلفی به رشته تحریر در آورده است که از میان آنها کتابهای «حقوق الحق و ازهاق الباطل»، «مصائب النواصب فی الرد علی نواقض الروافض»، «مجالس المومنین» و «سوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة» دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. ایشان از متکلمان عقل گرای غیر فلسفی به شمار می‌رود که به اقتضای نوع مسأله کلامی، از علوم مختلف عقلی و نقلی بهره برده است. بیان دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندان و فرق و مذاهب مختلف، از دیگر ویژگی‌های روش کلامی وی به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: قاضی نورالله شوشتری، روش شناسی، روش کلامی، عقل‌گرایی.

۱. دانش پژوه سطح چهار موسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، رایانامه:

ramezani.mohammad.1367@gmail.com

۲. استاد حوزه علمیه قم.

۱. زندگی‌نامه و شخصیت علمی

سید نور الله بن شریف الدین حسینی توستری (شوشتری) مشهور به قاضی نور الله و شهید ثالث (امین، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۲۸) در سال ۹۵۶ق در شهر شوشتر به دنیا آمد (همان؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۶). وی از سادات مرعشی است که نسبش با چند واسطه به امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد (شوشتری، ۱۳۷۷، ۱: ۵۱۹). ایشان بخشی از مقدمات، فقه، حدیث، تفسیر، ریاضیات و کلام را در زادگاهش، نزد پدر آموخت و سپس در سال ۹۷۹ق رهسپار مشهد گردید (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۶) و در درس اساتیدی چون مولی عبدالواحد شوشتری (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۶)، مولی محمد ادیب قاری تستری، مولی عبدالرشید شوشتری و مولی عبدالوحید تستری (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۵) حاضر شد. او در سال ۹۹۳ق در حالی که تقیه می‌کرد، از مشهد به هند مهاجرت کرد (امین، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۲۹). وقتی سلطان اکبر شاه، فضل و علمش را مشاهده کرد، مسئولیت قاضی القضاتی را به او پیشنهاد کرد و او به شرط اینکه به اجتهاد خودش از فتوای مذاهب چهارگانه قضاوت کند، پذیرفت (امین، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۲۹). قاضی نور الله، در فقه مذاهب پنج‌گانه حنفی، مالکی، حنبلی، شافعی و شیعه، مهارت داشت (امین، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۲۹) و با ظرافتی خاص نظر شیعه را بر کرسی می‌نشانند.

کتاب‌های تراجم از شخصیت او، با عباراتی نظیر: فاضل، عالم دین، علامه فقیه، محدث بصیر، صاحب تصانیف کثیره جیده و تألیف العزیزه، متکلم، محقق و عارف به فقه مذاهب اربعه یاد کرده‌اند (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۵؛ خوانساری، ۱۳۹۰، ۸: ۱۶۰؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۶) که نشان از جایگاه رفیع علمی او دارد. از جمله شاگردان او می‌توان دو پسرش شریف الدین و محمد یوسف، و محمد هروی خراسانی، و محمد علی کشمیری مشهدی، و سید جمال الدین عبد الله مشهدی را نام برد (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۷).

۲. آثار علمی

قاضی نورالله از دانشمندان برجسته علوم عقلی و نقلی در عصر خویش است که با نبوغ سرشار خود آثار فراوانی از خود بر جای گذاشته است (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۵)، ولی به جهت تقیه و اخلاص بالای ایشان در اینکه نامی از خود بر روی

مصنفات خود نمی‌نوشت، در تعداد آثار وی اختلاف وجود دارد؛ سید محسن امین در «اعیان الشیعه»، ۹۸ اثر از ایشان در موضوعات مختلف علوم اسلامی نام برده است (امین، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۲۹) و برخی اندیشمندان تا ۱۴۰ اثر برای وی ذکر کرده‌اند (شوشتری، ۱۴۰۹، مقدمه ج ۱: ۹۰-۹۷). آثار وی به دو دسته‌ی غیر کلامی و کلامی قابل تقسیم است:

۲-۱. آثار غیر کلامی

قاضی نور الله در فقه آثار بسیاری داشته، از جمله: «البحر الغزیر فی تقدیر الماء الكثير» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۳: ۴۳)، «حاشیة تهذیب الاحکام لشیخ الطائفة» (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۶)، «ردّ ما آلف تلمیذ ابن همّام فی اقتداء الجمعة بالشفعویة» (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۸)، «رسالة المسحیة فی مسألة المسح أو الغسل فی الوضوء» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۸)، «رسالة فی غسل الجمعة» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۷)، «للمعة فی صلوة الجمعة» (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷، ۱: ۱۶)، «رسالة فی مسألة الكفارة» (صدرالافاضل، ۱۳۷۴، ۶۹۹)، «رسالة فی مسألة لبس الحریر» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۷)، «رسالة فی نجاسة الخمر» (صدرالافاضل، ۱۳۷۴، ۶۹۹)، «رساله دفع إشكال ركیة سجدة» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۷)، «حاشیة شرح الوقایة فی الفقه الحنفي» (کنتوری، ۱۴۰۹: ۱۸۱)، «حاشیة علی قواعد العلامة» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۹۱)، «حاشیة علی الهدایة فی الفقه الحنفي» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۸)، «حاشیة علی خطبة الشرائع للمحقق الحلی» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۹۱)، «حاشیة علی المختلف للعلامة» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۷)، «حاشیة علی باب شهادات قواعد للعلامة» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۹۲)، «رسالة فی تنجیس الماء القلیل بالملاقات مع النجاسة» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۸)، «رسالة فی تجدید الوضوء»، «رسالة فی جواز الصلاة فیما لا تتم الصلاة فیہ وحده»، «حاشیة علی شرح للمعه» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۹۲: ۱).

از دیگر آثار وی می‌توان «حاشیة الرجال للكشي» (شوشتری، ۱۴۰۹، مقدمه ج ۱: ۹۰) در علم رجال، «حاشیة شرح الشمسية لقطب‌الدین الرازي» و «حاشیة حاشیة تهذیب المنطق للدواني» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۷) در علم منطق، «حاشیة بر

تفسیر بیضاوی» (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ۵۳۹)، «تفسیر آیه إنما المشركون نجس» (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ۵۳۹)، «تفسیر آیه الرؤیا» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۷)، «تفسیر آیه سبع بقرات سمان»، «تفسیر آیه فمن یرد الله أن یردیه یشرح صدره للإسلام» (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ۵۳۹)، در علم تفسیر و «حاشیه علی تحریر اقلیدس» (شوشتری، ۱۴۰۹، مقدمه ج ۱: ۹۱) در علم هندسه را نام برد.

۲-۲. آثار کلامی

قاضی نورالله شوشتری در زمینه مباحث کلامی آثار متعددی دارد که عبارتند از:
 ۲-۲-۱. «مصائب النواصب فی الرد علی نواقض الروافض» که ردی بر کتاب «نواقض الروافض» میرزا مخدوم شریفی تبریزی است (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۲۰۶).

۲-۲-۲. «حقوق الحق و ازهاق الباطل»: این کتاب در تبیین و دفاع از اندیشه‌های کلامی شیعه و در رد کتاب «ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل» فضل بن روزبهان نوشته شده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۲۹۰).

۲-۲-۳. «الصوارم المهرقة فی جواب الصواعق المحرقة» دیگر اثر ارزنده قاضی نورالله است که ردیه‌ای بر کتاب «الصواعق المحرقة علی اهل الرفض و البدع و الزندقه» ابن حجر مکی است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۷).

۲-۲-۴. «مجالس المؤمنین»، (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۹: ۳۷۰) قاضی نورالله، در این کتاب که به زبان فارسی است، با قلمی شیوا و روان، احوال عده‌ای از علما، حکما، ادبا، عرفا، شعراء، راویان و عالمان رجال که به اعتقاد ایشان، مذهب شیعی داشته‌اند و حکایت‌ها و قصه‌ها و روایات آن‌ها، همچنین گذری به شهرها و احوالات ایشان را بیان کرده است و از این راه اثبات می‌کند که مذهب تشیع، از زمان رسول الله ﷺ بوده است؛ که مورد استفاده بسیاری از تراجم نویسندگان و سیره نگاران واقع شده است.

۲-۲-۵. «کشف العوار فی تفسیر آیه الغار»، (خوانساری، ۱۳۹۰، ۸: ۱۵۹) رساله‌ای در تفسیر آیه غار است و مؤلف در آن هفده اشکال بر دیدگاه فاضل نیشابوری اشعری شافعی وارد ساخته و اثبات می‌کند از آیه مذکور هیچ فضیلتی برای ابوبکر استفاده نمی‌شود.

۶-۲-۲. «السحاب المطير في تفسير آية التطهير»، (امین، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۲۹؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۲: ۱۵۰) رساله مختصری در تفسیر آیه تطهیر است؛ مؤلف در آن، نظرات و دیدگاه‌های مفسران درباره مضمون آیه و مراد از اهل بیت را بیان می‌کند و سرانجام با استدلال، مراد از اهل بیت را پنج تن آل عبا و ائمه طاهرين عليهم السلام معرفی می‌کند.

۲-۲-۷. «أنس الوحيد في تفسير آية العدل و التوحيد» رساله مختصری در تفسیر آیه شریفه «شهد الله أنه لا إله إلا هو» است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۶۹).
 ۲-۲-۸. «الردّ على شبهات الشيطان» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۷)، رساله مختصری است در پاسخ به هفت شبهه از طرف شیطان.

۲-۲-۹. «رساله بحر الغدير في إثبات تواتر حديث الغدير سنداً و مؤلفاً و دلالة» (امین، ۱۴۰۳، ۱۰: ۲۲۹).

۲-۲-۱۰. «الزام النواصب في الرد على الميرزا مخدوم الشريفي» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱، مقدمه: ۹۱).

۲-۲-۱۱. «القام الحجر في الرد على ابن حجر» (همان).

۲-۲-۱۲. «حاشية على الهيات شرح التجريد» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۲۰۷).

۲-۲-۱۳. «حاشية على شرح المواقف» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱، مقدمه: ۹۱).

۲-۲-۱۴. «حاشية على مبحث عذاب القبر من شرح قواعد العقائد» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۶).

۲-۲-۱۵. «حاشية على اثبات الواجب الجديد للدواني» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۲۰۷).

۲-۲-۱۶. «رسالة في ردّ شبهة في تحقيق العلم الالهي» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۷).

۲-۲-۱۷. «دلائل الشيعة في الامامة» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱، مقدمه: ۹۱).

۲-۲-۱۸. «حاشية على رسالة البدخشي» (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ۱۱: ۳۶۸).

۲-۲-۱۹. «رسالة في علمه تعالى» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱، مقدمه: ۹۱).

۲-۲-۲۰. «رسالة في ردّ بعض العامة حيث نفى عصمة الأنبياء» (افندی،

۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۸).

۲-۲-۲۱. «رسالة في أمر العصمة» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۷، سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۲۰۶).

۲-۲-۲۲. «كتاب في مناقب الأئمة من طرق المخالفين» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱، مقدمه: ۹۱).

۲-۲-۲۳. «النور الأنور و النور الأزهر في تنوير خفايا القضاء و القدر» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۲۰۶).

۲-۲-۲۴. «حاشية على حاشية شرح التجريد» (افندی، ۱۴۳۱ الف، ۵: ۲۶۶).

۳. روش تالیفی و تدوینی قاضی نور الله

با دقت در آثار شهید ثالث، روشن می‌شود که آثار ایشان به سه گروه متنی، شرحی و حاشیه‌ای و انتقادی و پاسخ به شبهه تقسیم می‌شود. اصلی‌ترین دغدغه ایشان، پاسخ به شبهات عصر خود بوده است، از این رو غالب تالیفات ایشان بر محور پاسخ‌گویی به اشکالات و شبهات مخالفان و معاندان عصر خویش است. بر همین اساس در آثار کلامی وی، کتابی که یک دوره کامل مسائل اعتقادی را در بر داشته باشد مشاهده نمی‌شود.

از میان آثار کلامی ایشان، سه کتاب «احقاق الحق و ازهاق الباطل»، «مصائب النواصب في الرد على نواقض الروافض»، «صوارم المهرقة في نقد الصواعق المحرقة» دارای جایگاه ویژه‌ای هستند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ۴: ۲۰۶) که در اینجا به روش تالیفی ایشان در این کتب می‌پردازیم.

۱-۳. «مصائب النواصب في الرد على نواقض الروافض»: این کتاب در هشت مقدمه و شش فصل، با سبکی متفاوت نوشته شده است؛ به این صورت که قاضی در نگارش آن به جای استفاده از اصطلاحات رایج در نامگذاری فصول، از عباراتی نظیر «جند»، «طایفه»، «صفوف» و «آیات» استفاده می‌کند. وی در خطبه کتاب، علت نام‌گذاری و سبک نگارش را جهاد بودن بحث با مخالف می‌داند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۶۲). نویسنده در مقدمه نخست خود نسب میر مخدوم را بررسی کرده و وی را از فرزندان دختر میر سید شریف جرجانی می‌داند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۶۴).

در مقدمه دوم، معنای ایمان و جاودانگی برخی در آتش و غیریت ایمان و اسلام

را مطرح، و اشکالات میر مخدوم را پاسخ می‌دهد (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۷۵-۹۶). مقدمه سوم را به بحث درباره فرقه ناجیه و تحقیق پیرامون آن و اثبات اینکه امامیه تنها فرقه ناجیه هستند اختصاص داده، و قولی را که تبعیت از صحابه را شرط دخول در فرقه ناجیه می‌داند، تکذیب می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۹۷-۱۲۴).

مقدمه چهارم درباره این مساله است که صرف صحابی بودن دلیل بر ایمان و عدالت فرد نیست (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۲۵-۱۵۰). در مقدمه پنجم احادیث اهل سنت را به صورت اجمالی نقد می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۵۱-۱۶۶)، و در مقدمه ششم، روش استدلال شیعه به روایات اهل سنت درباره امیرالمومنین علیه السلام و اولاد ایشان را بیان می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۶۷-۱۷۲).

در مقدمه هفتم بیان می‌دارد که مذهب امامیه، همان مذهب اهل بیت علیهم السلام است و برخی مشکلات شیعه در طول تاریخ را مطرح کرده، وضعیت عالمان شیعه در طول تاریخ را چنین توصیف می‌کند که در اغلب زمان‌ها در حال تقیه بوده‌اند؛ ولی با وجود تمام دشمنی‌ها و مخالفت‌ها، مذهب امامیه استوار مانده است (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۷۳-۱۹۰). در مقدمه هشتم، حکم لعن و موارد آن را مطرح کرده و بین لعن و سب تفکیک قائل شده، برخی اتهاماتی که به شیعه نسبت داده شده را پاسخ می‌دهد (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۹۱-۲۱۶).

بعد از مقدمات مذکور مباحث کتاب را با تعبیر جند اول و دوم و... آغاز می‌کند. در جند اول درباره شش آیه‌ای که میرمخدوم آنها را دلیل برتری عموم صحابه می‌داند بحث می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۲۱۷-۲۵۰) و در جند دوم، ۹ روایتی که صاحب النواقض درباره فضل عموم صحابه یا خصوص برخی از ایشان مطرح کرده است را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۲۵۱-۲۹۶).

در جند سوم ادله‌ای که میر مخدوم درباره حقانیت خلفای سه‌گانه بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم استناد کرده، را در چند صف رد کرده و پاسخ می‌دهد (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۲۹۷-۴۲۷). جند چهارم درباره تناقضاتی است که در اتهامات میر مخدوم درباره عقاید امامیه وجود دارد (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۵-۲۲۸).

جند پنجم درباره ردّ نسبت‌هایی است که میر مخدوم آنها را از عادات زشت شیعیان دانسته است؛ مثل اینکه ایشان به جای نمازهای واجب، لعن بر صحابه و زوجات رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌کنند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۲۲۹-۲۵۶). در جند ششم به

برخی از کفریاتی که برخی از فقهای سنی به آن‌ها فتوا داده‌اند، اشاره می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۲۵۷-۲۷۵). بنابر آنچه قاضی نورالله در خاتمه کتاب بیان کرده است، این کتاب را در ۱۷ روز به پایان رسانده است.

۲-۳. «إحقاق الحق و إزهاق الباطل»: ایشان بعد از خطبه کتاب، عبارات خطبه فضل بن روزبهان را نقل کرده و به نقد آن می‌پردازد. بعد از مقدمه، در هر بخش، عبارت علامه حلی در «نهج الحق و کشف الصدق» را بعد از عبارت «قال المصنف رفع الله درجته» نقل کرده، سپس ردیه فضل بن روزبهان را با جمله «قال الناصب خفضه الله» می‌آورد و به تجزیه و تحلیل عبارات فضل بن رو بهان پرداخته و بی اساس بودن آن را روشن می‌کند.

علامه حلی کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» را در هشت مساله به صورت زیر مطرح کرده است: ۱. ادراک؛ ۲. نظر؛ ۳. صفات خداوند؛ ۴. نبوت؛ ۵. امامت؛ ۶. معاد؛ ۷. اصول فقه؛ ۸. مسائل فقهی؛ اما کتاب احقاق الحق تنها تا مساله پنجم را در بر دارد و مرحوم قاضی بقیه مسائل را بیان نکرده است.

۳-۳. «الصورام المهرقة في جواب الصواعق المحرقة»: این کتاب، از یک خطبه و بیش از ۱۲۰ عنوان ردیه مختلف تنظیم شده است. مؤلف، ابتدا عبارات‌های ابن حجر را با «قال...» بیان کرده است و سپس با «أقول...» به آن‌ها پاسخ می‌دهد. قاضی نورالله، در این کتاب، تا پایان باب سوم از کتاب ابن حجر را که مربوط به ابوبکر است، نقد کرده و ابواب مربوط به خلافت عمر و عثمان را بررسی نکرده است؛ زیرا، با اثبات شرعی نبودن خلافت ابوبکر، نیازی به ابطال خلافت عمر و عثمان ندیده است.

از جمله ویژگی‌های تالیفی و تدوینی قاضی نور الله شوشتری این است که با توجه به تسلط بسیاری که بر منابع شیعه و اهل سنت دارد، در جای جای آثار خود به تناسب مطلب، و برای رد و یا اثبات مطالب ذکر شده، از آثار و سخنان اندیشمندان استفاده می‌کند.

۴. کارکرد علوم مختلف در روش شناسی کلامی شوشتری

۱-۴. علوم عقلی

۴-۱-۱. منطق

علم منطق، قانون درست اندیشیدن و روش استدلال را می‌آموزد و کاربرد آن در همه علوم - به ویژه علوم عقلی - لازم است. قاضی نور الله در برخی موارد بدون استفاده از اصطلاحات خاص منطق، از لوازم تفکر صحیح از حیث ساختار و محتوا بهره گرفته است (شوشتری، ۱۴۲۹: ۸۹، ۹۲، ۱۰۹ و ۱۴۰).

به طور مثال، برای اثبات عصمت امام از راه حافظ شرع بودن امام، بدون ذکر نام، از قیاس اقترانی شکل اول بهره جسته و می‌گوید: «الإمام حافظ للشرع بمعنى أنه مؤيد له منقذ لأحكامه بين الناس جميعا، و كل من كان حافظا للشرع بهذا الوجه لا بد من عصمته»، سپس هر کدام از صغری و کبری را اثبات می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۹۲).

در برخی موارد نیز با ذکر نام و به کار بردن اصطلاحات منطقی به بحث پرداخته است (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۱۰۵؛ شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۹۴). برای نمونه، وی در اثبات فضیلت علمی امیرالمومنین علیه السلام می‌گوید: «شکی نیست که علی، اعلم از سایر صحابه است؛ زیرا استفتاء ایشان از او، مشهور است و اقرار صحابه به جهل‌شان در این استفتائات ذکر شده است؛ تا جایی که قول عمر که گفته اگر علی نبود، عمر هلاک می‌شد، مثل ضرب المثلی رایج در میان مسلمین درآمده است، که این‌ها دلیل بر اعلم بودن علی است. اما همانطور که گذشت افضل بودن کسی که اعلم است، با نص ثابت شده است. بعد از ثبوت صغری و کبری قیاس شکل اول، نتیجه آن بدیهی خواهد بود و انکار آن مکابره و لجاجتی است که به آن توجه نمی‌شود» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۳: ۱۵۷). وی همچنین در بحث عصمت انبیاء و ائمه علیهم السلام، برای اثبات حقانیت امامیه مبنی بر عصمت امام، از قیاس استثنایی بهره برده و شرط انتاج قیاس استثنایی را چنین بیان کرده است: «در منطق اثبات شده است که استثناء عین مقدم، عین تالی را نتیجه می‌دهد» (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۹۴).

۴-۱-۲. معرفت‌شناسی

در گذشته معرفت‌شناسی به صورت علمی جداگانه که دارای موضوع و مسائل مستقل باشد مطرح نبوده است، ولی بسیاری از مباحث آن در ابواب مختلف کتاب‌های فلسفی و کلامی مطرح شده است و برخی از متکلمان در مقدمه آثار و مباحث کلامی خود، بخشی از مباحث معرفت‌شناسی را مطرح کرده‌اند.



قاضی نور الله در کتاب «احقاق الحق و ازهاق الباطل» به تبع علامه حلی که در مساله اول کتاب «نهج الحق و کشف الصدق»، به برخی مباحث معرفت شناسی پرداخته است، بحث ادراک، اطلاعات گوناگون آن و نحوه شکل گیری آن، ادراک جزئی و کلی (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۸۱-۸۷)، رویت و شرایط آن (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۹۳-۱۰۲) و وجوب رویت در صورت وجود شرایط (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۰۶-۱۰۸) و امتناع آن با فقدان شرایط (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۱۴-۱۱۷) و... را مطرح کرده، در پاسخ به اشکالات فضل بن روزبهان، درباره این مسائل بحث کرده است، و در لا به لای پاسخ به شبهات، نظرات معرفت شناسی خود را بیان کرده است. برای نمونه، ایشان در بحث نظر و وجوب عقلی آن، یکی از ابزارهای معرفتی انسان را عقل می‌داند (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۵۵-۱۵۶).

۳-۱-۴. فلسفه

قاضی نورالله در زمره متکلمان عقل گرای غیر فلسفی است؛ با این حال، در مواردی از برخی مفاهیم فلسفی در تبیین یا اثبات مسائل کلامی بهره برده است. مفاهیم «ماهیت» (نورالله شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۸۷؛ نورالله شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۸۳)، «جوهر» (نورالله شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۳۶۶)، «عرض» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۲۵۶)، «دور» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۱۱۰)، «تسلسل» (نورالله شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۲۶؛ شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۹۱؛ شوشتری، بی تا: ۵۰)، «واجب الوجود» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۴۲۴)، «ممکن الوجود» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۸۳ و ۲۶۷) و «وجوب بالغیر» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۹۵) از آن جمله‌اند.

ایشان همچنین در برخی موارد از برخی قواعد مثل قاعده «الشیء ما لم یجب لم یوجد» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۹۵، ۲۰۰، ۱۱۱)، بطلان ترجیح بلا مرجح (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۳۹ و ۱۲۱)، و تحصیل حاصل (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۱۷۰، ۱۷۴) در تبیین و اثبات مسائل کلامی بهره برده است.

۴-۱-۴. اصول فقه

مباحث اصول فقه اگرچه در زمره علوم عقلی فلسفی و یا ریاضی و نظائر آنها نیست، ولی از علوم نقلی هم نیست؛ زیرا غالب مباحث آن مبتنی بر عقل عرفی و سیره عقلاء است، به این جهت آن را در عداد علوم عقلی قرار دادیم.

قاضی نور الله در خلال پاسخ به شبهات کلامی از مباحث و قواعد اصولی مانند

مفهوم لقب (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۶۹)، عام و خاص (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۸۸)، خبر واحد و مستفیض (شوشتری، ۱۴۰۹، ۳: ۲۳۵)، مطلق و مقید (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۲۱۲)، اجماع (شوشتری، بی‌تا: ۲۳۰؛ شوشتری، بی‌تا: ۲۶۴) و دلالت امر بر فور یا تراخی یا تکرار (شوشتری، ۱۴۲۹: ۱۰۰) بهره برده است.

به عنوان نمونه، در ردّ ادعای اجماع بر خلافت ابوبکر بعد از نبی مکرم اسلام ﷺ می‌گوید: اجماع همان گونه که در منهج بیضاوی و مختصر ابن حاجب و شروح آن آمده، عبارت است از اتفاق همه اهل حل و عقد، یعنی مجتهدین و علمای مسلمین در یک وقت بر یک مطلب (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۳۵۸)، و روشن است که بر خلافت ابوبکر چنین اجماعی تحقق نیافته است.

همچنین در ردّ قول فضل بن رزبهان که مدعی است چون پیامبر ﷺ در روزهای آخر حیات خویش، ابوبکر را به عنوان امام جماعت که امر آخرتی است، انتخاب کرد، پس به خلافت ابوبکر که امر دنیایی است نیز راضی است، اولاً: آن را قیاس (تمثیل منطقی) می‌داند که علمای شیعه و ظاهریه از اهل سنت و جمهور معتزله حجیت آن را نفی کرده‌اند و ثانیاً قیاس اولویت بودن آن را باطل کرده است (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۳۶۲).

لازم به یادآوری است هر چند برخی بزرگان در شمار مصنفات قاضی نورالله، کتاب‌هایی در علم حساب (حاشیه علی خلاصة الحساب شیخ بهائی) و هندسه (حاشیه علی تحریر اقلیدس) و اسطرلاب (رسالة في اسطرلاب) نام برده‌اند (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۹۶)، ولی با مراجعه به کتابخانه‌ها و نرم افزارهای مختلف، به آثار یاد شده، دست نیافتیم. و با توجه به موضوع کتب باقی مانده از ایشان که غالباً پاسخ به شبهات معاندان درباره مساله امامت است، مطالبی که از ریاضیات، حساب و هندسه یا طبیعیات استفاده شده باشد، یافت نشد.

۲-۴. علوم نقلی

۱-۲-۴. ادبیات

از جمله ویژگی‌های قاضی نورالله، طبع شعری او است. قصاید و غزلیات مختلفی از او نقل شده و دیوان شعری داشته است و تخلص وی نوری بوده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۹، ۱۲۳۹). از این رو یک از ویژگی آثار قاضی این است که در میان بیان مطالب مختلف از اشعار فارسی و عربی استفاده کرده است (شوشتری، بی‌تا: ۱۹۲)

و ۲۴۸؛ همو، ۱۴۰۹، ۲: ۶۳، ۷۰ و ۱۰۵، ۴۱۴؛ ۱: ۴۵۱؛ ۳: ۷۶). مثلاً در کتاب «حقوق الحق» هرگاه فضل بن روزبهان، شعری آورده و به وسیله آن طعنی به شیعه زده است، قاضی غالباً در همان قالب و بر همان وزن و همان زبان، شعری در پاسخ او می‌آورد، و اگر او شعری از شاعران دیگر در ردّ عقاید شیعه آورده باشد، قاضی نیز از اشعار دیگران، شعری مناسب در همان موضوع در پاسخ به او می‌آورد (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۴۹ و ۱۶۲).

ایشان در کتاب مجالس المومنین نیز وقتی احوالات افراد مختلف را ذکر می‌کند، اگر فردی دارای اشعاری باشد برخی از آنها را نقل کرده است و مجلس یازدهم را به ذکر احوال شعرای عرب که سند ارباب ادب‌اند، اختصاص داده است.

ایشان همچنین در مواضع مختلف از آثار خود، به حسب نیاز، از علم صرف (شوشتری، ۱۴۰۹، ۳: ۲۳۲)، نحو (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۳۷ و ۳۹۴؛ ۲: ۷۱؛ ۳: ۳۱۹) و بلاغت (شوشتری، بی‌تا: ۱۷۱؛ شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۱۳۶؛ ۱: ۱۵۰؛ همو، ۱۴۲۹: ۶۵) بهره می‌برد.

به عنوان مثال ایشان در رد قول فضل بن روز بهان که ادعا کرده است آیه «صالح المومنین» در شان ابوبکر و عمر نازل شده است، حمل لفظ «صالح» به صورت مفرد، بر دو نفر را خلاف وضع می‌داند و سپس در نقد قول فخر رازی که با استناد به قول ابوعلی فارسی گفته است: «قد جاء فعیل مفرداً یراد به الکثرة کقوله تعالی: وَ لَا یَسْتَلُّ حَمِیمٌ حَمِیمًا» می‌گوید: «جایز است که مراد از صالح در اینجا هم مفرد و هم جمع باشد»، آشکار می‌داند و در تعلیل آن می‌گوید: «زیرا، قیاس فاعل به فعیل بدون سندی که به آن تکیه شود، پذیرفته نیست و بر فرض قبول، به قرینه اینکه حمیم در حَیْز نفی قرار گرفته، از آن کثرت اراده شده است و نکره بودنش گاهی برای تکثیر است و چه بسا به کمک قرینه حال و مقام، متعین در آن باشد، ولی در ما نحن فیه صالح، نکره نیست، پس مقایسه صالح در آیه با حمیم، قیاس مع الفارق است» (شوشتری، ۱۴۰۹، ۳: ۳۱۹-۳۲۰).

همچنین ذیل بحثی که پیرامون معنای آیه مودت مطرح کرده، استثنای منقطع را مجاز و خلاف اصل می‌داند که تنها در مواردی که استثنای متصل متعذر باشد به کار می‌رود (شوشتری، ۱۴۰۹، ۳: ۲۱).

وی در برخی مباحث کلامی از علم لغت نیز بهره می‌برد و در صورت لزوم، به

بررسی معنای لغوی برخی کلمات می‌پردازد. به عنوان مثال، در اثبات اینکه مولا در حدیث غدیر به معنای متولی و مالک للأمر و الأولى بالتصرف است، به استعمال این معنا در کلام عرب که در کتب لغت نقل شده، استناد می‌کند (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۴۹۷) و در شرح دعای صباح حضرت امیرالمومنین علیه السلام بسیاری از کلمات آن را از منظر لغوی بررسی می‌کند.

۲-۴. علم حدیث و رجال

نظر به اینکه موضوع بسیاری از تالیفات قاضی نور الله مسائلی است که روایات و نقل، در آنها کاربرد فراوان دارد، به ناچار ایشان در میان مباحث خود از اصطلاحات علوم حدیث، مثل خبر واحد (شوشتری، بی تا: ۱۴۳، ۱۵۶، ۱۷۴، ۱۸۶، ۲۱۵، ۲۲۶، ۲۷۰، ۳۱۴؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۳۷۷ و ۳۸۷؛ ۲: ۱۳۲ و ۱۷۶؛ همو، ۱۴۰۹، ۲: ۳۴۸ و ۵۰۱؛ ۳: ۲۳۵)، خبر متواتر (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۹۹، ۲۰۱، ۳۷۸، ۳۸۷؛ ۲: ۸۲، ۹۸، ۲۴۶؛ همو، بی تا: ۱۷۷، ۲۲۹، ۱۵۶، ۱۴۲، ۱۸۷، ۲۱۳ و ۲۷۷؛ همو، ۱۴۰۹، ۳: ۲۳۲، ۲۳۲، ۵۰۲، ۳۷۹ و ۴۸۸؛ ۲: ۳۶۸)، مستفیض (شوشتری، ۱۴۰۹، ۳: ۲۰۷، ۲۲۵ و ۲۳۵؛ همو، بی تا: ۱۳۷؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۸۱) و تخریج (شوشتری، ۱۴۰۹، ۷: ۴۰۲) استفاده کرده، و گاهی نیز به تبیین معنا و یا بیان حجیت آنها نزد شیعه می‌پردازد.

به طور مثال در پاسخ به انکار تواتر حدیث غدیر توسط ابن حجر، به تبیین خبر متواتر پرداخته و می‌گوید: «روشن است که بر خلاف آنچه این شیخ حیلہ‌گر گمان کرده است، در تواتر خبر و احتیاج به تواترش، متواتر بودن آن نزد همه مردم معتبر نیست، بلکه همین که فی الجمله متواتر باشد کافی است و الا، به قرآن کریم اشکال می‌شود که میان همه و از تمام طرق، متواتر نیست. پس نقضی برای شیعه نیست که به آن (حدیث غدیر) برای اثبات امامت استدلال کرده است؛ زیرا شیعه مدعی است این حدیث از طریق شیعه و برخی اهل سنت متواتر است» (شوشتری، بی تا: ۱۷۷).

ایشان همچنین در رد قول کسی که قائل به عدم جواز تمسک به خبر واحد در نزد شیعه است می‌گوید: «و آنچه ذکر کرده مبنی بر اینکه تمسک به خبر واحد در عمل، نزد امامیه جایز نیست، پس چگونه تمسک به آن در علم جایز است؟ دفع شده به اینکه بنا بر آنچه در کتب اصول آمده، معتبر نبودن خبر واحد در نزد شیعه، مثل اهل سنت، قول شاذی است و بر فرض اگر آن را بپذیریم، جایز است که تمسک به آن از باب الزام جمهور اهل سنت که قائل به حجیت خبر واحد هستند، باشد» (شوشتری،

۱۴۰۹، ۳: ۲۳۵).

در استفاده از روایات به سند و رجال احادیث نیز توجه داشته است و از کتب رجال استفاده کرده است (شوشتری، بی تا: ۱۹۴، ۲۳۶، ۲۵۰، ۲۹۹ و ۳۳۵؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۱۷۷؛ ۲: ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۳۰ و ۱۳۲).

۳-۲-۴. تاریخ

قاضی نور الله به تاریخ و سیره آگاهی کافی داشته، بدین جهت، میرزا عبدالله افندی از او با عنوان محدث بصیر به تاریخ و سیره نام برده است (افندی، ۱۴۳۱، ب: ۵: ۲۶۵). کتاب مجالس المومنین ایشان کتابی است در تاریخ و سیره که با هدف کلامی به نگارش در آمده است. علاوه بر آن قاضی، در مباحث کلامی نیز با توجه به اینکه بیشتر آثارش در پاسخ به شبهات علمای اهل سنت درباره امامت و خلافت نگاشته شده است و این مباحث، آمیخته با مباحث تاریخی است، در بسیاری از موارد، برای پاسخ به شبهه و یا رد ادعای خصم از مسائل تاریخی بهره برده، که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در احقاق الحق (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۹۱ و ۴۸۵؛ ۳: ۲۳۶)، الصوارم المهرقه (شوشتری، بی تا: ۵، ۷۲، ۱۱۰، ۱۲۷، ۱۵۳، ۱۷۷، ۲۱۴، ۲۶۷ و ۳۰۰)، مصائب النواصب (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۱۳۷، ۱۴۱، ۲۸۴، ۳۷۶، ۳۹۲؛ ۲: ۲۸) و کشف العوار فی تفسیر آیه الغار (شوشتری، ۱۴۲۹: ۵۹، ۷۲، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۴۴، ۱۵۸ و ۱۶۲) یافت.

برای مثال در پاسخ به ادعای ابن حجر مبنی بر اینکه پیامبر ﷺ درب همه اصحاب به جز ابوبکر را به مسجد سدّ کرد، می‌گوید: این سخن با آنچه در مسند احمد از طرق متعدد روایت شده که پیامبر ﷺ دستور داد همه درها به سوی مسجد بسته شود غیر از در خانه علی بن ابی طالب رضی الله عنه، ناسازگار است (شوشتری، بی تا: ۱۰۲). وی همچنین در رد کلام ابن حجر که روایتی را از شافعی نقل کرده که: «از جعفر بن ابی طالب روایت شده که گفت: ابوبکر بر ما سرپرستی کرد در حالی که بهترین و با رحم ترین خلیفه بود و دلسوز ترین ایشان بر ما بود، و در روایتی دیگر آمده است که هیچ کس مثل او بر ما سرپرستی نکرد، و در روایت دیگری است که ما بهتر از او را ندیدیم»، استناد به ارباب سیره و تاریخ کرده و می‌گوید: «تمام بزرگان سیره و تاریخ اتفاق نظر دارند که جعفر بن ابی طالب در غزوه موتّه در زمان پیامبر ﷺ در سال ۸ هجری شهید شده است، پس چگونه برای غیرش خبر از حسن ولایت و خلافت ابوبکر

می‌دهد؟» (شوشتری، بی‌تا: ۲۴۷). و گاهی به ردّ برخی نقل‌های تاریخی در کتاب‌های تاریخی پرداخته است (شوشتری، ۱۳۷۷، ۲: ۴۵۸).

ایشان درباره زمان ایمان آوردن ابوبکر به کتاب «اسد الغابة» ابن اثیر استناد کرده و می‌گوید: «روی صاحب کتاب اسد الغابة عن ضمرة بن ربیعة أنه قال: کان إسلام أبي بکر مسببا عن بیعة خالد بن سعید الأموي و ذکر هذا في قصة طويلة» (شوشتری، ۱۴۲۹: ۸۰).

۵. جایگاه عقل در روش شناسی کلامی قاضی نور الله شوشتری

مسائل کلام، از حیث اثبات پذیری از طریق عقل و نقل به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) مسائل پیشاوحیانی که اثبات وحی متوقف بر آنها است و جز از طریق عقل قابل اثبات نیستند، مثل اثبات وجود خداوند متعال. ب) مسائلی که با عقل و نقل قابل اثبات هستند، مثل توحید و عصمت و علم امام و امکان و ضرورت معاد. ج) مسائلی که تنها از طریق نقل قابل اثبات هستند؛ مثل تفاسیل برزخ و قیامت. عقلی یا نقلی بودن روش متکلمان، به صورت عمده در مسائل دسته دوم، روشن می‌گردد؛ زیرا در مسائل دسته اول معمولا همه به عقل (فطری و عمومی یا فلسفی) استدلال می‌کنند و در مسائل دسته سوم نیز به ناچار باید روش نقلی و تعبدی را پیش گرفت.

قاضی نور الله در مسائل مختلف کلامی از کارکردهای متفاوت عقل بهره برده است. ایشان از کارکرد اثباتی عقل در مسائلی چون: وجوب نظر (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۵۵-۱۵۹)، استحاله رؤیت الهی (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۳۳)، صفات الهی (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۷۰، ۱۸۲-۱۸۳)، وجوب اکمل و افضل بودن امام از تمام مردم (شوشتری، بی‌تا: ۴۳) و عصمت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام (شوشتری، بی‌تا: ۵۰) بهره برده است.

از باب نمونه درباره وجوب عصمت امام این گونه استدلال می‌کند: «چون امام حافظ شرع است؛ به این معنا که او مؤید و منفذ احکام آن در بین مردم است، و هر کس که به این صورت حافظ شرع باشد، به ناچار باید عصمت داشته باشد. اما اثبات صغرای قیاس به خاطر ریاست عمومی امام در امور دین و دنیا است. و اثبات کبری به این صورت است که هر کس که به صورت مذکور حافظ شرع باشد باید مردم از تغییر دین توسط او به زیادت و نقصان، ایمن باشند و گرنه اطمینان به فعل و قول او حاصل نمی‌شود و مردم از او تبعیت نمی‌کنند و ریاست عامه مختل می‌شود و فایده امامت از

بین می‌رود» (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۹۲). همچنین در کتاب دیگرش لازمه معصوم نبودن امام را انتفای فایده بعثت و لزوم تسلسل می‌داند (شوشتری، بی تا: ۵۰).

گاهی نیز از عقل برای تبیین برخی مسائل نقلی بهره برده است (شوشتری، بی تا: ۹۸، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۰۰، ۲۳۰؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۲۰۱؛ ۲: ۴۷؛ همو، ۱۴۰۹، ۲: ۴۹۴). به عنوان مثال ایشان بعد از استناد به حدیث غدیر و آیه تبلیغ برای خلافت امیرالمومنین علیه السلام می‌گوید: کسی که ذره‌ای انصاف داشته باشد متوجه می‌شود اینکه خداوند در آخر عمر پیامبر بعد از اینکه اسلام و احکام آن مانند نماز و روزه و حج و غیره را تبلیغ کرده، با خطاب «ان لم تفعل فما بلغت رسالته» مورد خطاب قرار می‌دهد، و پیامبر صلی الله علیه و آله در مکانی که منزل کردن در آن، متعارف نبوده بر منبر می‌رود و در حق علی علیه السلام می‌گوید: «من کنت مولاة فهذا علی مولاة» و برای او دعا می‌کند، این کار برای یک امر عادی نیست، بلکه مساله مهم و بزرگی مثل نصب امام در میان است، نه صرف اظهار محبت و نصرت او و نظائر آن» (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۱۰۰).

قاضی در برخی مسائل از روش تاویل عقلی نیز بهره گرفته و معنای ظاهری را به معنایی که با عقل سازگار است تاویل کرده است؛ مانند تاویل رؤیت به علم، در آیاتی نظیر ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ و ﴿أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ﴾ (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۳۴)؛ و ضلال در آیه ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ به عدم رشد (شوشتری، ۱۴۰۹، ۲: ۲۰۵)، و تاویل رویت الهی در آیاتی نظیر ﴿رُجُوعَهُ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ﴾ (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۳۷) و آیاتی که ظاهراً دلالت بر عصیان برخی انبیاء می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۸۶).

۶. جایگاه نقل و حیانی در روش شناسی قاضی نور الله شوشتری

قاضی نور الله در آثار کلامی خود، اهتمام ویژه‌ای به نقل و حیانی و روایات دارد. روش وی به این صورت است که در مباحث کلامی خود به فراخور بحث، در صورت نیاز از آیات و روایات به درستی استفاده می‌کند. گاهی برای اثبات برخی مسائل کلامی از آیات و روایات بهره می‌برد؛ چنان‌که برای اثبات عصمت امام به آیه تطهیر (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۹۰) و ابتلاء (شوشتری، بی تا: ۴۹-۵۵؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۳۰۸-۳۱۱) و صادقین (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۹۰) استدلال کرده است.

از باب مثال در استدلال به آیه صادقین می‌گوید: «اما وجوب عصمت امام و شرط بودن آن در امام بخاطر قول خداوند تبارک و تعالی که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿﴾ است؛ زیرا صادق بودن غیر معصوم، دانسته نمی‌شود لذا بودن با او واجب نیست، پس بودن با معصوم واجب است، و بر اساس اعتقاد امامیه، ائمه اهل بیت معصوم‌اند» (شوشتری، ۱۴۲۶، ۲: ۹۰).

گاهی از برخی آیات و روایات به عنوان مؤید دلیل عقلی بهره می‌برد. به عنوان مثال در رد استدلال ابن حجر به «اصحابی کالنجوم» برای عدالت و اقتدا به تمام صحابه، بعد از استدلال‌های مختلف در رد آن، از جمله اینکه «لازمه این سخن این است که اگر کسی به سخن برخی از جهال، فساق و منافقان از صحابه عمل کند هدایت شده خواهد بود، و لازمه آن این است که کسانی که با قاتلان عثمان اقتدا می‌کنند و کسانی که به خونخواهی او قیام کردند، هر دو هدایت شده باشند، و کسانی که به عایشه و طلحه و زبیر که بر علی علیه السلام بغی کرده و بر علیه او خروج کردند و قاتلان آنها هدایت شده باشند و مقتولان از هر دو طرف در بهشت باشند، و لازمه این سخن آن است که اگر کسی در صفین به معاویه اقتدا کرده و به همراه او با علی علیه السلام جنگیده و بعد از ظهر برگشته و با علی علیه السلام همراهی کرده و بر علیه معاویه جنگیده در هر دو حال هدایت شده باشد»، به روایت امام رضا علیه السلام هنگامی که از ایشان درباره صحت روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که می‌فرماید: «هر کس که لا اله الا الله بگوید بهشت بر او واجب می‌شود» سوال شد فرمود: «بله، به شروطش و من از جمله شروط آن هستم»، استناد کرده و می‌گوید بر فرض صحت سند روایت، شرایط دیگر نیز باید لحاظ شود (شوشتری، بی تا: ۴-۶).

۷. شیوه مواجهه قاضی نورالله با فرق و آراء کلامی

از جمله مسائل برجسته در روش‌شناسی قاضی نورالله شوشتری، تسلط او بر آراء و نظرات و مذاهب گوناگون است که در مسائل اختلافی، به دیدگاه‌های فرق دیگر اشاره کرده و آنها را نقد می‌کند. از جمله آنها می‌توان موارد زیر را نام برد: اشاعره (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۲۴۷)، معتزله (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۲۴۷)، حشویه (شوشتری، بی تا: ۲۱۹؛ همو، ۱۴۰۹، ۱: ۱۷۵)، کرامیه (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۱۷۵)، غلات (شوشتری، بی تا: ۸۲)، براهمه (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۳۶۹؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۴۲۴)، اهل حدیث (شوشتری، بی تا: ۱۰۹) و مجوس (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۳۹۷؛ ۲: ۵۸).

ایشان در بسیاری از مسائل مطرح شده در آثار خود، به نظرات دیگران هم توجه کرده و از آنها نام می‌برد. به عنوان نمونه می‌توان به شخصیت ابن بابویه قمی

(شوشتری، بی تا: ۱۰۰؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۳۷۵ و ۳۸۱)، شیخ مفید (شوشتری، بی تا: ۱۹۵؛ همو، ۱۴۲۹: ۱۷۱)، سید مرتضی (شوشتری، ۱۴۲۹: ۹۵)، علامه حلی (شوشتری، بی تا: ۱۷۵؛ همو، ۱۴۲۶، ۱: ۲۳۹)، ابوحنیفه (شوشتری، ۱۴۲۹: ۹۳) و عبدالجبار معتزلی (شوشتری، ۱۴۰۹، ۱: ۲۹۲) اشاره کرد.

عالمانی که وی از آنان نام برده، دو دسته‌اند: آنان که از سخنانشان بهره برده و به آن استناد کرده است و آنها که سخنانشان را نقد می‌کند. ایشان از برخی عالمان شیعه با تکریم بسیار یاد می‌کند؛ چنانکه از شیخ صدوق با عبارت «شیخنا الاقدم رحمه الله» (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۳۷۵، ۳۸۱) و «شیخنا الاجل ابن بابویه قمی رحمه الله» (شوشتری، بی تا: ۱۰۰) نام می‌برد، و از شیخ مفید با عبارات «شیخنا المعظم ابی عبدالله المفید» (شوشتری، ۱۴۲۶، ۱: ۳۷۵) و «شیخنا الاجل المفید» (شوشتری، بی تا: ۱۹۵) تمجید می‌کند.

از جمله ویژگی‌های قاضی نور الله کتاب شناسی او است. او در این حوزه عالمی کم نظیر است؛ به طوری که با توجه در آثار او روشن می‌شود ایشان تسلط کم نظیری به آثار فرق مختلف، از جمله اهل سنت دارد و در هر مساله با رعایت تناسب بحث، از آثار ادبی و تفسیری و حدیثی و کلامی ایشان استفاده کرده است (استرآبادی و شوشتری، ۱۳۸۸: ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۶۷، ۷۸، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۹ و...؛ شوشتری، بی تا: ۱۴، ۲۰، ۳۰، ۳۹، ۵۷، ۷۴، ۸۶، ۱۰۳، ۲۱۴، ۲۶۴، ۲۶۷، ۳۲۴).

نتیجه

قاضی نورالله شوشتری با رویکرد عقلی غیر فلسفی و با بهره گیری از ادله نقلی و استفاده از علوم گوناگون عقلی و نقلی در مسائل کلامی، به اثبات و تبیین و تحکیم مسائل اعتقادی پرداخته است و با نگارش آثاری ارزشمند در این باره، نقش مهمی را در دفاع از آموزه‌های کلامی شیعه امامیه ایفا کرده است.

فهرست منابع

۱. آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق، ۱۳۸۷، *نجوم السماء فی تراجم العلماء* (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری قمری)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمدمحسن، ۱۴۰۳، *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، بیروت، دار الأضواء.
۳. استرآبادی، میر یوسف بن محمد، و نورالله بن شریف الدین شوشتری، ۱۳۸۸، *اسئله یوسفیه*، تهران، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد.
۴. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ۱۴۳۱ الف، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
۶. امین، محسن، ۱۴۰۳، *اعیان الشیعه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۷. خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، ۱۳۹۰، *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*، قم، دهقان.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۴، *معجم طبقات المتکلمین*، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۹. ———، ۱۴۱۸، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۱۰. شوشتری، نورالله، ۱۴۰۹، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۱۱. ———، بی تا، *الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المهرقة*، بی جا، بی نا.
۱۲. ———، ۱۴۲۹، *کشف العوار فی تفسیر آیه الغار*، قم، نشر حبیب.
۱۳. ———، ۱۳۷۷، *مجالس المومنین*، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۴. ———، ۱۴۲۶، *مصائب النواصب (فی الردّ علی نواقض الروافض)*، قم، دلیل ما.
۱۵. صدرالافاضل، مرتضی حسین، ۱۳۷۴، *مطلع انوار* (احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند)، ترجمه‌ی محمد هاشم، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

۱۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۸۷، *طبقات مفسران شیعه*، قم، دفتر نشر نوید اسلام.

۱۷. کنتوری، اعجاز حسین بن محمدقلی، ۱۴۰۹، *کشف الحجب و الأستار عن أسماء الكتب و الأسفار*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.